

# # دهه هشتادایم

**مشعل -** کمتر کسی تصویری از حجم تغییرات نسلی میان دهه هشتادی‌ها و نسل‌های قبل از خودشان دارد. نسلی که بسیاری از کارشناسان و جامعه‌شناسان حالا دیگر آنها را با سه شاخصه رسانه‌ای شدن، مصرفی شدن و پسمادی شدن می‌سنجند و معتقدند با نسلی مواجه هستیم که دیگر به راحتی نه می‌توان کنترلش کرد، نه به راحتی می‌توان قانعش کرد و نه به راحتی می‌توان از خواسته‌هایی که باب میل قدیمی‌ترها نیست، منصرفشان کرد. ما با نسلی رو به رو هستیم که نتیجه تربیت و نوع نگاه بسیاری از جوانان دهه ۵۰ و ۶۰ هستند پس بهتر است بیشتر و بیشتر درباره آنها بدانیم و وقتمان را با آنها بگذرانیم.

**آنها کم حوصله‌اند شما این را درک کنید**

«اگر بخواهیم با ادبیاتی که دهه هشتادی‌ها در متن و گفتار با هم حرف می‌زنند، این متن را بنویسیم حتما بخش زیادی از مخاطبان این گزارش نمی‌توانند آن را بخوانند یا بخش کمی از مطلب را متوجه خواهند شد و حتما در خانواده و اطرافیانمان با این ادبیات نوشتاری مواجه بوده‌اید. آنها عموماً حروف انگلیسی را با فارسی تلفیق کرده و نوعی از «فینگلیش» ابداعی را ترتیب می‌دهند که البته با آن مدل از «فینگلیش» که در ذهن دارید تفاوت دارد، زیرا برخی از حروف صدادر در این میان را حذف و اضافه سلیقه‌ای می‌کنند و بسیاری از کلمات هم متناسب با کاربرد و میزان کاربرد مصطلح می‌شوند و دلیل منطقی و دستور زبان خاصی ندارد.

«علاوه بر اینها این نسل در بیان کتبی حروف‌های خود به دلیل «خستگی»، «صرف وقت کمتر» و مهم‌تر از همه «متمایز» بودن، عموماً کلمات را خلاصه و در حد یک حرف به کار می‌برد. به عنوان نمونه IC را I See و IC را I See می‌نویسند. این دلایل را که عمدتاً در شبکه‌های اجتماعی به عنوان دلایل اصلی این تفاوت در حرف زدن و نوشتن خودشان مطرح کرده‌اند.

«دهه هشتادی‌ها از کوتاه نویسی، تفکر الگوریتمی، منتقل کردن پیام‌های کوتاه به ویژه بیان ایده‌ها و مسائل از طریق تصاویر و ایماژها و کلیپ‌ها و انیمیشن‌ها و یا از پیام صوتی استفاده می‌کنند. دختران و پسران این نسل بیش از آن که حرف بزنند، عکس‌ها را رد و بدل می‌کنند و اگر هم بخواهند حرف بزنند، کوتاه‌نویسی می‌کنند.

«این نسل کانال و گروه و شبکه اجتماعی خودش را دارد و کمتر به تلویزیون و روزنامه و کتاب مراجعه می‌کند و در عوض بیشتر به کتاب صوتی و پادکست و انواع موسیقی‌های جدید گرایش دارد.

«این نسل انقلاب اسلامی و سختی جنگ را ندیده و تحولات ساختاری بعد از جنگ را نچشیده و امروز با عبرت و شناختی که از سه نسل قبل خود گرفته، دچار رفتارهایی متفاوت از نسل‌های قبل از خود است. نسلی که محدودیت‌های مالی و راه‌های کسب درآمد و تحصیل نسل‌های قبل از خود را دیده و با توجه به آن دست به انتخاب‌های متفاوتی می‌زند.

«دهه هشتادی‌هایی که از همان ابتدای کودکی کنترل تلویزیون و لپ‌تاپ و تلفن همراه و دوربین در دسترسشان بوده، عجیب نیست که بیشتر از نسل‌های قبل به شبکه‌های اجتماعی و اینترنت علاقه و گرایش و تسلط و اشراف داشته باشند. این گرایش نوعی از سبک زندگی را برای آنها رقم زده که ممکن است آسیب‌هایی داشته باشد اما به نوعی هم اقتضای زمانه آنها است، پس سعی در نفی آن، محدود کردن و یا حذف نگیرید و تنها تلاش کنید تا این نیاز یا گرایش را کنترل کنید و به آنها موارد پیشنهادهی خود را توصیه کنید. ضمن اینکه اگر شما خودتان بر این فضای مجازی و اینترنت تسلط داشته باشید، خیالتان راحت است که بچه‌ها نمی‌توانند شما را دور بزنند.

«دنیای امروز دنیای اخبار و تصاویر لحظه‌ای است و دیگر کسی نمی‌تواند فرزند خود را سال‌ها از این فضا دور نگه دارد، بهتر است به جای نگرانی درباره حریم خصوصی و مسائل امنیتی یا اخلاقی، بایدها و نبایدهایی که فکر می‌کنید تاکنون به فرزندانتان یاد داده‌اید و در تربیت آنها به کار برده‌اید را یادآوری و مرز بندی مجدد کنید و باقی را به عهده تشخیص آنها بگذارید و تنها از دور بر آنها نظارت کنید. چرا که در هر صورت اگر آنها بخواهند کاری را که شما درست نمی‌دانید، انجام می‌دهند و ممکن است شما متوجه نشوید.

**یادتان نرود دهه هشتادی‌ها در سن بلوغ هستند**

